

استراتژی عرفان عامه در مواجهه با مخاطرات کولبری*

وکیل احمدی^۱، صادق نیکنام^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱)

چکیده

در حداقل یک دهه اخیر اخیر، حیات اقتصادی روستاهای مرزی بخش نوسود از توابع شهرستان پاوه استان کرمانشاه، به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی و موقعیت مرز با پدیده کولبری گره خورده است. کولبری فعالیتی موقتی، استرس‌زا و ریسک‌پذیر است. هدف پژوهش بررسی نقش اقتصاد مرزی پرمخاطره در تشدید اقبال به عرفان عامه است. روش پژوهش، کیفی با استفاده از نظریه زمینه‌ای و گردآوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه عمیق با فعالان کولبری در بخش نوسود بوده است. یافته‌ها نشان داد ریسک‌پذیری، حس رقابت، عدم ثبات شغلی، شرایط محیطی، عدم اطمینان به اطرافیان به عنوان شرایط زمینه‌ای و دسترسی آسان به عناصر عرفان عامه و ایجاد قوت قلب عوامل مداخله‌گری هستند که منجر به اتخاذ استراتژی‌هایی مانند دعانویسی، فال‌گیری، رجوع به تعبیرگر خواب و افراد مقدس از سوی برخی افراد درگیر در فعالیت کولبری شده است که از آن به عنوان استراتژی عرفان عامه یاد شده است. پیامد چنین استراتژی، فرسایش اعتماد عمومی، مقبولیت عرفان عامه و ایجاد آرامش برای ادامه مشاغل همراه با ریسک عنوان شده است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مرز، اقتصاد غیر رسمی، عرفان عامه، کولبری، نوسود.

Doi: <https://doi.org/10.22034/JSS.2024.2030088.1844>

* مقاله علمی - پژوهشی

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول).

v.ahmadi@razi.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

sadeghniknam8@gmail.com

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، ص ۵-۲۷

مقدمه و بیان مسئله

جامعه بشری علاوه بر وجود ادیان الهی، رسمی و جهانی، جولانگاه کردارها و سنی بوده است که به صورت غیررسمی و توسل به نیروهای فرامادی در پی جلب توجه عامه مردم برآمده‌اند. در بیشتر جوامع بشری، برخی آدم‌ها از میانجی‌هایی کمک می‌گیرند که در هنر دسترسی به ارواح و خدایان تخصص دارند. این وجوه غیررسمی دین که از آن تحت عنوان عرفان عامه (دین عامه) یاد می‌شود، اگر چه از نظر متفکرانی همچون تایلور و فریزر ریشه در ادوار گذشته تاریخ بشری دارد، لکن در دوره‌هایی خاص و به سبب عواملی مشخصی همچون مدرنیته، گسترش شهرنشینی و دلپره‌های ناشی از آنها، وجوه عمومی‌تر و گسترده‌تری یافته است.

عرفان عامه، مجموعه‌ای از عقاید و کردارهای دینی و فرهنگی است که در کنار ادیان و عقاید رسمی در میان عامه مردم و در میان جماعت‌های کوچک حضور دارد و گره خوردن آن به کردارهای فرهنگی به آن تداوم بخشیده است. بنابراین عرفان عامه یکی از شکل‌های غیررسمی دینداری همچون دعانویسی، فالگیری، طالع‌بینی، کف‌بینی، نذر و نیاز و... در جامعه در پیوند با امور غیر دینی است، و یا به عبارت بهتر عرفان عامه، «جنبه‌های غیر بازانديشانه کردارها و عقاید معمولی است که جهت‌گیری معطوف به فرا رفتن از اینجا و اکنون دارند: استعلاي روزمره (وارول^۱، ۲۰۱۵). بخش نوسود یکی از بخش‌های شهرستان پاره است. از ویژگی‌های زیست اقتصادی روستاهای مرزی این بخش، اخیراً اتکای معیشت اکثریت آن به اقتصاد مرزی و اشتغال کاذب در این مرز است. مرزهای غیر رسمی نوسود، زاور و هانه گرمه از جمله اصلی‌ترین معبرهای مرزی کولبری در این منطقه هستند. علاوه بر این، ورود کالا از روستاهای مرزی به شهرهای مصرف کننده خود یک فرآیند دیگر است که شبیه به همان فرآیند ورود غیررسمی کالا از کردستان عراق به خاک ایران است.

کولبری، باربری با ماشین و قاطر، انبارداری و دیگر فعالیت‌های مرتبط با اقتصاد غیررسمی مرزی از جمله اصلی‌ترین فعالیت‌هایی است که مردم در این منطقه به آن مشغول هستند. ویژگی مشترک این نوع فعالیت‌ها موقتی بودن، استرس‌زا بودن، پرخطر بودن و به طور کلی پرریسک بودن آنها است. همچنین از منظر زیست اقتصادی و اجتماعی هم پیامد اصلی غلبه چنین معیشتی، رقابتی‌تر کردن زندگی برای ساکنان این منطقه است. مشاهدات اولیه نشان می‌دهد که با گسترش

¹ Varaul

چنین فعالیت‌هایی فاصله طبقاتی در این منطقه بیشتر شده است و تأمین زندگی آبرومندان در سطح استانداردهای امروزی تلاش بیشتر و ریسک پذیری بالاتری نسبت به گذشته می‌طلبد. یکی از پیامدهای تسلط این نوع معیشت استرس‌زا و افزایش فاصله طبقاتی ناشی از آن، به وجود آمدن احساس نیاز به یاری از جانب افرادی است که در معرض پیامدهای نامطلوب چنین فرآیندی هستند. چنین نیازی این نوع افراد را به سوی جستجوی راه‌حلهایی انتزاعی برای مشکلات واقعی زندگی رهنمون می‌کند. به بیانی دیگر، روی آوردن به «دین عامه» یا همان «عرفان عامه» که در چارچوب روندهایی از فرهنگ توده‌ای می‌گنجد، در هر موقعیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی خاصی می‌تواند زمینه‌ها، مکانیسم‌ها و پیامدهای خاص خود را داشته باشد. به این ترتیب ناسنجیده خواهد بود که این نوع پدیده‌ها را ناشی از فرآیندهای اجتماعی-تاریخی و ناپیدا در نظر بگیریم (ریچاردز، ۱۳۹۴: ۲۴). به این ترتیب می‌توان از یک طرف شرایط و مکانیسم‌های مرتبط با اقتصاد مرز و دلهره‌ها و بینش‌های اضطراب‌آور آن در بلند مدت را به منزله پیش‌شرط‌هایی در نظر آورد که می‌توانند موجب بروز احساسات، باورها و سبک‌های زندگی در سوژه‌هایی شوند که به واسطه چنین مکانیسم‌هایی تولید شده‌اند. از طرفی دیگر هم می‌توان گرایش به نوع خاصی از عرفان که با زندگی روزمره و نیازهای آن عجین است را به مثابه یک استراتژی در نظر آورد که از سوی این سوژه‌ها برای حداقل مقابله درونی با پیامدهای زندگی پر استرس در مرز و اقتصاد آن از سوی خود آنها اتخاذ شده است. توسل به نیروهای فرامادی به میانجی اشخاصی که واسطه‌استجاب نیازهای درونی برای فائق آمدن بر ترس، یأس و یا گشایش و افزایش رزق به عنوان یک الگوی رایج در میان کولبران هستند از مصادیق عمومیت یافتن عرفان عامه در محدوده مورد مطالعه است. بستن ادعیه‌های مکتوب مذهبی بر بازو، حمل کردن اشیاء مذهبی (از قبیل انگشتر، گردنبند، تسبیح و غیره) از جمله این موارد هستند.

در واقع فرض اساسی پژوهش بر این استوار است که استرس و اضطراب ناشی از اقتصاد محلی و مرز، فرهنگ و بینش خاصی را در مردمی به وجود می‌آورد که درگیر آن هستند. این بینش می‌تواند گرایش به سمت پدیده‌ای ریشه‌دار به اسم عرفان عامه در این منطقه باشد؛ یعنی گرایش به مناسک و کرداری همچون دعانویسی، طالع بینی، فالگیری و... چنین مناسکی پیش از این با توجه به بافت اجتماعی این منطقه رواج داشته است. اما انتظار بر این بوده که با گسترش سوادآموزی و تکنولوژی و با بالا رفتن سطح عمومی آگاهی و به طور کلی عقلانی شدن سازمان زندگی، این نوع مناسک هم کم رنگ شوند، اما تجربه زیسته محقق چیز دیگری را نشان می‌دهد.

مشاهدات روزمره نشان می‌دهد که گرایش به عرفان عامه حتی در میان تحصیل کرده‌هایی هم که در مرز کار می‌کنند در سطح بالایی است. این موضوع یادآور این نکته است که هیچگاه تأثیرات اجتماعی - سیاسی یک سنت دینی یک بار برای همیشه تعیین نمی‌شوند و می‌توانند بر حسب شرایط، زیر و رو شوند (پل ویلم، ۱۳۹۵: ۶۳). همچنین این موضوع این پرسش را پیش می‌کشد که چه ارتباطی میان گسترش روزافزون اقتصاد مرزی در این منطقه با بازپدیدار شدن گرایش به عرفان عامه وجود دارد؟ کولبران چگونه و تحت چه شرایطی عرفان عامه را به خدمت می‌گیرند؟ پیامد استفاده از عرفان عامه برای فعالان عرصه کولبری چیست؟

پیشینه تجربی

عرفان عامه ذیل یک مسئله اجتماعی و کاربست آن توسط برخی از افراد به عنوان یک جهت‌گیری معنایی مورد توجه پژوهشگران بوده است که در جدول ۱ برخی از آنها آمده است. این پژوهش‌ها تمایل برخی از افراد و اقشار به عرفان عامه را محصول خلاءهای می‌دانند که آنان در زندگی واقعی با آن مواجه هستند. علاوه بر این چنین تمایلاتی را به صورت ضمنی برگرفته از باورهای اعتقادی و باورهایی می‌دانند که توسط نظام‌های فرهنگی صورت‌بندی شده‌اند. در مجموع جهت‌گیری این پژوهش‌ها، موجودیت عرفان عامه را برگرفته از شرایط و فضاهایی می‌دانند که در آن سعی افرادی که به آن تمسک می‌جویند، بدل کردن وضعیت موجود ناخوشایند به وضعیت موجود خوشایند به مدد نیروهای غیرطبیعی است. تمامی پژوهش‌های موجود جنبه‌ای از دین عامه، همچون دعا نویسی، سحر و شمنیسم را مورد مطالعه قرار داده‌اند. پژوهش حاضر اگر چه از این جهت که دعانویسی و غیره بخشی از دین عامه محسوب می‌شوند، با پیشینه‌ها هم جهت و در یک راستا است، لکن وجه تمایز پژوهش حاضر مطالعه جامع‌شناختی در رابطه دین عامه (و به طور مشخص پدیده دعانویسی) با اقتصاد مرزی است. از این رو ضعف منابع مطالعاتی در مورد درهم‌تنیدگی اقتصاد مرزی و دین عامه، انگیزه‌ای شد که از روش کیفی (نظریه زمینه‌ای) برای انجام پژوهش حاضر بهره گرفته شود؛ تا در این راستا بتواند به نظریه‌ای هر چند محدود و با برد میانه در جهت دین عامه و اقتصاد مرزی دست یابد.

استراتژی عرفان عامه در مواجهه با مخاطرات کولبری

جدول ۱. پیشینه تجربی پژوهش

نویسندگان	عنوان پژوهش	یافته‌های مهم پژوهش
سراج زاده و همکاران (۱۳۹۹)	زمینه‌ها و پیامدهای بهره‌گیری از دعانویسی و فال‌گیری (مطالعه نمونه‌ای از زنان تحصیل کرده شهر رشت)	در جریان دعانویسی و فال‌گیری، فرآیند جامعه‌پذیری، باور به فرهنگ این جهانی و آن جهانی، برخی تمایلات روان‌شناختی، مدرن شدن ساز و کارهای فال‌گیری و دعانویسی و گروه مرجع فرد به عنوان شرایط زمینه ساز عمل می‌کنند.
خالق‌پناه و همکاران (۱۳۹۵)	دین عامه، ناکامی‌های عینی و استراتژی زنانه امیدواری: مطالعه تجربه دعانویسی در شهر سنندج	زمینه‌هایی همچون «درگیری‌های زنانه با روزمره»، شرایط علی مثل «گرفتاری‌های روزمره»، «مصائب عشق و کنترل آینده» در کنار شرایط مداخله‌گری همچون «مسائل خانواده و امر ازدواج»، مشکلات زندگی مشترک»، «کالایی شدن» و «رشد فردگرایی عاطفی»، تجربه دعانویسی به عنوان یک استراتژی‌در مقابل جهان عینی را برای زنان شهر سنندج به ارمغان آورده است.
قادرزاده و غلامی (۱۳۹۳)	تحلیل تجربه زنان سنندجی از فال‌گیری (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای فال‌گیری)	زنان به دلایلی همچون روزمرگی، آینده‌نگری، فشار هنجاری و فقدان حمایت اجتماعی به فال‌گیری روی می‌آورند. مدرن شدن و روان‌کاوانه شدن فال‌گیری به عنوان شرایط مداخله‌گر، و فردی شدن باورها و کلیشه‌های جنسیتی به عنوان زمینه تسهیل‌گر عمل می‌نمایند.
جوهری (۱۳۸۱)	مطالعه جامعه‌شناختی پدیده دعانویسی در ایران	دعانویسی عموماً فعالیتی مردانه و مبتنی بر سابقه سنی زیاد و سطح نازلی از تحصیلات رسمی است؛ اگر چه استثناهایی نیز وجود دارد. دعانویسی، در اشکال بسیار متفاوتی از ارائه صرف دعا تا آمیخته کردن آن با گیاهان دارویی، انتقال انرژی و کمک از نیروهایی ناشناخته همراه است.
کاسانوا ^۱ و دیگران (۲۰۲۲)	طلسم جادویی برتری جویی در مادورا: مطالعه‌ای در باب ساختار، معنا و کارکرد	در مورد طلسم، کلماتی هستند که معنای واقعی آنها معلوم نیست یا به آنها معانی دلالتی می‌گویند. یافته‌های پژوهش همچنین گویای این است که در برتری جستن بر دیگران، طلسم برتری برای پیروز شدن بر حریف و به عبارت دیگر نوعی ایمنی برای طلسم کننده عمل می‌کند.
زاینال ^۲ (۲۰۱۳)	بررسی دقیق تأثیرات جامعه‌شناختی خرافات در شیوه زندگی مردم مالزی: مطالعه موردی پاهانگ مالزی	خرافات مذهبی و اخلاقی با سبک زندگی مردم ارتباط معناداری دارد. افراد معتقد به خرافات مذهبی، سبک زندگی سنتی‌تر و افراد معتقد به خرافات اخلاقی، سبک زندگی مدرن‌تری دارند. خرافات اجتماعی نیز با سبک زندگی مردم ارتباط معناداری ندارد.
جوگ یون ^۳ (۲۰۰۹)	شمنیسم و قدرت‌رهایی‌بخش آن برای زنان کره‌ای	در کره جنوبی، شمنیسم قدیمی‌ترین مجموعه از باورهای دینی است و سیستم پدرسالاری نئوکنفوسیوسی با اجرای فرهنگ پدرسالاری، زنان را به انقیاد در آورده است. در این جامعه شمنیسم بخشی از فرهنگ مقاومت و نمادی از عزم زنان برای ایجاد فضای امن است.

¹ Kasanova

² Zinal

³ Jonghyun

چارچوب مفهومی

آثار متفکران کارکردگرا دربارهٔ دین، مبانی نظری پژوهش در جهت ایجاد حساسیت نظری را شکل می‌دهند. کارکردگرایی چون رادکلیف و مالینوفسکی استدلال می‌کنند که باورداشته‌ها و رسوم اقوام گذشته جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ‌های زنده و شکوفای معاصر هستند و آنها را باید بر حسب نقشی که در نظام‌های زندگی دارند بلید بازشناخت (همیلتون، ۱۳۸۷: ۵۶). از نظر مالینوفسکی ریشه دین و جادو در پیشامدها، اضطراب‌ها و ابهام‌های زندگی روزانه در جوامع قبیله‌ای و در ابعاد گسترده‌تر، در همه جوامع بشری باید جست. جادو در موقعیت‌های واجد تنش عاطفی پدید می‌آید، اما سرچشمه تنش را باید در ابهام مربوط به نتیجه فعالیت‌های عملی جست‌وجو کرد. هر گاه کاری باید انجام گیرد که در مورد نتیجه‌اش اطمینانی نیست، انسان‌ها به شگردهای جادویی توسل می‌جویند. انسان‌ها در چنین موقعیت تنش‌آمیز و اضطراب‌انگیزی، نمی‌توانند، منفعل باقی بمانند و باید کاری انجام دهند. اندام انسان‌ها کنش‌های القا شده از سوی آرزومندی‌ها را انجام می‌دهد؛ کنش‌هایی که عواطف بشدت نیرومند آنها را تحریک می‌کند. این کنش خودانگیخته در ذهن عمل‌کنندگان این یقین را ایجاد می‌کند که مناسک جادویی روی جهان تأثیر عملی دارند؛ چرا که در شرایط بی‌اطمینانی تنش عاطفی را تخفیف می‌دهند. همچنین، کسی که به این مناسک عمل می‌کند، از آنجا که در نتیجه این ایقان، عملاً احساس اطمینان بیشتری می‌کند و بر اثر تخلیه تنش عاطفی آرامش بیشتری را احساس می‌کند، وظایفش را نیز به گونه مؤثرتری انجام می‌دهد. جادو نه یک صورت اشتباهی رفتار عقلانی یا شبه علم، بلکه بیان امید و آرزوهای انسان است و جانشین علم نیست بلکه متمم علم است (مالینوفسکی، ۱۹۷۴، به نقل از همیلتون، ۱۳۷۸: ۹۳).

فرت چنین استدلال می‌کند که جادو، هاله تقدوسی را بر عملیات فنی می‌افکند و چنان اعتباری برای این عملیات فراهم می‌کند که باعث می‌شود مردم آنها را بسیار جدی بگیرند. جادو به انسان اعتماد می‌بخشد و اضطرابش را کاهش می‌دهد و در صورت شکست، تبیین جانشین را فراهم می‌کند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۸۱).

از نظر بینگر یک رشته ارزش‌های فراگیر باید پاسخ‌هایی برای سرخوردگی، رنج و ناکامی پیدا کنند، یعنی اتکا به یک قدرت معنوی، در شرایطی که از قدرت‌های دیگر کاری بر نمی‌آید، و دستیابی به آرامش و وقار در برابر بداقبالی و رنج، زمانی که از کوشش‌های دیگر برای از بین بردن بدبختی و رنج، بهره‌ای بدست نیاید (بینگر، ۱۹۷۰، به نقل از همیلتون، ۱۳۷۸: ۲۰۳).

از نظر آدی، جوهر دین فراگذشتن از تجربه روزانه است و ما به این دلیل به این ارجاع متعالی نیاز داریم که وجود انسان با سه چیز تعیین می‌شود: احتمال، ناتوانی و کمیابی. منظور از احتمال این است که وجود بشر سرشار از بی‌اطمینانی، خطر و آسیب‌پذیری است. زندگی، امنیت و بهروزی انسان شکننده‌اند. منظور از ناتوانی، این واقعیت است که ما برای رفع بی‌اطمینانی در زندگی چندان کاری نمی‌توانیم انجام دهیم و منظور از کمیابی این است که چون نیازهای بشر تقریباً نامحدودند، هدف‌ها و ارزش‌ها در جامعه، توزیع غیرعادلانه‌ای دارند. دین به سازگاری با آن چیزی که نقاط شکننده زندگی روزانه نام دارد، کمک می‌کند (آدی، ۱۹۶۶، به نقل از همیلتون، ۱۳۷۸: ۲۰۷).

به نظر وبر، سرچشمه باورداشت‌های دینی را باید در پاسخ به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی و توجیه ناکامی‌های دانست که در برابر مشکلات به انسان‌ها اعتماد به نفس می‌بخشد (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

از مبانی نظری فوق در رابطه با پژوهش پیش روی می‌توان از مفاهیم خطر، اضطراب، نقاط شکننده زندگی به عنوان چارچوب مفهومی استفاده نمود. پوشش خلاءهای مادی و غیرمادی با استفاده از اعتقادات مذهبی، ابزار برخی از افراد و گروه‌ها در جوامعی است که عمده‌ترین ویژگی آن را می‌توان فقدان دستیابی عادلانه به فرصت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره قلمداد نمود. به بیان دیگر، زمانی که جامعه کولبران از دستیابی به موهبت‌هایی که ایده‌آل‌های زندگی را بازنمایی می‌کنند، را شکلی از تنش عاطفی تجربه می‌کنند که حاصل نقاط شکننده زندگی روزمره آنها است و ناخودآگاه برای عبور از این تنش عاطفی به عرفان عامه، پناه جسته تا اضطراب ناشی از ریسک‌پذیری کولبری تخفیف پیدا نماید.

روش پژوهش

روش پژوهش کیفی است و پژوهش با استفاده از نظریه زمینه‌ای انجام شده است. گریز از تحمیل نظریه بر واقعیت همراه با فقدان رویکردهای نظری کافی، استفاده از نظریه زمینه‌ای در این پژوهش را ضروری نمود. روش نظریه زمینه‌ای حول سه مرحله کدگذاری می‌چرخد که نگارندگان بر مبنای آنها داده‌های گردآوری شده را تحلیل نموده‌اند. ابتدا بر مبنای کدگذاری باز از راه بررسی دقیق اطلاعات، پدیده‌های مربوط به عرفان عامه و اقتصاد مرزی نامگذاری و مقوله‌بندی شده‌اند، سپس از طریق کدگذاری محوری همان اطلاعات با ایجاد روابط بین هر مقوله و مقولات فرعی آن، به نوعی جدید به یکدیگر مرتبط شده‌اند و از این رهگذر مقوله‌های عمده ساخته شده‌اند. و نهایتاً در

چهارچوب کدگذاری گزینشی (انتخابی) در قدم اول خط اصلی داستان تشریح شده است. در قدم دوم مقولات تکمیلی بر گرد مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم مرتبط شده‌اند. از آن پس روابط مقولات در قبال اطلاعات بیان گردیده و مقولاتی که نیاز به اصلاح و یا بسط و گسترش داشته‌اند، تکمیل شده‌اند.

جامعه هدف، کولبران منطقه نوسود در سال ۱۴۰۱ بوده است. کولبری در محدوده مورد مطالعه شیوه معیشت بسیاری از افرادی است که منابع و امکانات اقتصادی موجود در منطقه سکونت شان، قادر به تأمین نیازهای زندگی آنها نیست. کولبران با حمل و جابجایی لوازم و اقلام خانگی، صنعتی، پزشکی و ... در قبال دریافت وجه از نیروی بدنی خود در طول مسافت‌های طولانی امرار معاش می‌کنند. در پژوهش حاضر به اقتضای کیفی بودن، از نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند استفاده شده است. به این معنا که پژوهشگر با پیش‌طرح تعدادی سؤال‌های کلی در راستای موضوع مورد مطالعه (راهنمای مصاحبه) وارد میدان مطالعه شده و به صورت هدفمند نمونه‌هایی را انتخاب نموده و با توجه به میزان آگاهی و اطلاع‌دهی، با آنها وارد مصاحبه شده است. تعداد نمونه‌های انتخابی ۱۷ نفر بوده است. که مشخصات زمینه‌ای آنها در جدول ۲ آمده است.

انتخاب نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری با حداکثر تفاوت اقدام شده است. به این معنا که در انتخاب نمونه‌ها سعی بر این بوده است که نمونه‌های متنوعی از نظر، سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، گرایش دینی خاص و... انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گیرند؛ اما اصل نمونه‌گیری در این پژوهش بر نمونه‌گیری متوالی یا متواتر بوده است؛ یعنی ادامه دادن به حجم نمونه تا رسیدن به کفایت و اشباع نظری. از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته جهت داده‌یابی استفاده شده است که عبارت است از طرح چند سؤال کلی و موضوع مکتوب پیرامون مسئله مورد مطالعه که از آن تحت عنوان راهنمای مصاحبه یاد می‌شود.

جدول ۲. مشخصات زمینه‌های مصاحبه‌شوندگان

کد	نام ^۱	سن	وضعیت تأهل	سابقه کولبری (سال)	میزان تحصیلات	کد	نام	سن	وضعیت تأهل	سابقه کولبری (سال)	میزان تحصیلات
۱	یدالله	۴۲	متأهل	۹	دیپلم	۱۰	پژمان	۲۴	مجرد	۲	دیپلم
۲	شافع	۲۸	متأهل	۹	دیپلم	۱۱	شورش	۳۸	متأهل	۷	زیردیپلم
۳	جبار	۳۳	متأهل	۱۰	فوق‌دیپلم	۱۲	آرش	۳۱	مجرد	۴	زیردیپلم
۴	خبات	۲۵	مجرد	۳	لیسانس	۱۳	بهاء‌الدین	۳۱	متأهل	۵	فوق‌دیپلم
۵	هوشنگ	۴۵	متأهل	۷	زیردیپلم	۱۴	جمال	۳۶	متأهل	۵	زیر دیپلم
۶	اقبال	۳۰	متأهل	۵	دیپلم	۱۵	سیروس	۴۵	متأهل	۸	لیسانس
۷	آکار	۲۲	مجرد	۱	دیپلم	۱۶	وریا	۴۰	متأهل	۹	دیپلم
۸	موسی	۴۵	متأهل	۱۰	لیسانس	۱۷	پیمان	۲۷	مجرد	۲	لیسانس
۹	انور	۳۶	متأهل	۱۲	لیسانس						

اعتباریابی پژوهش با در نظر گرفتن سازگاری روش‌شناختی، خودآگاهی پژوهشگر (سعی پژوهشگر در اپوخه کردن موضوع)، تناسب یافته‌ها با نظر مشارکت‌کنندگان، منطق معناداری مدل برساخته از اطلاعات، اصالت یافته‌ها و انعکاس تمامیت تجربه‌های بدست آمده حاصل شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های پژوهش حول محور سؤال‌های مطرح شده در تحقیق آورده شده‌اند. بنابراین عوامل زمینه‌ای، مداخله‌ای، استراتژی گرایش به عرفان عامه و چگونگی اتخاذ استراتژی عرفان عامه و پیامدهای گرایش به عرفان عامه از نگاه کولبران مرزی در میدان پژوهش مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است.

شرایط زمینه‌ای

منظور از شرایط زمینه‌ای آن دسته از شرایطی است که نه به صورت مستقیم بلکه به صورت فراهم کننده زمینه جهت گرایش افراد مورد مطالعه به عرفان عامه عمل می‌کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش شرایط زمینه‌ای گرایش به عرفان عامه در مقولات کلی ریسک‌پذیری، عدم ثبات شغلی، حس رقابت، شرایط محیطی، عدم اطمینان به اطرافیان و دسترسی آسان به عناصر عرفان عامه بیان شده است (جدول ۳).

^۱ برای حفظ حریم خصوصی مصاحبه‌شوندگان از اسامی مستعار استفاده شده است.

ریسک‌پذیری شغل کولبری یکی از عوامل زمنیه‌ای گرایش به عرفان عامه از نگاه کولبران بوده است. منظور از ریسک‌پذیری، تمام اتفاقات غیرمترقبه، ناگوار و آسیب‌زایی است که ممکن است هر لحظه کولبران را تهدید کند. گیر کردن در کمین مأموران هنگ مرزی و کالای قاچاق یکی از این اتفاقاتی است که به طور مداوم کولبران را تهدید می‌کند. یدالله با ۹ سال سابقه کولبری (کد ۱) می‌گوید:

«ببینید ما بعضی وقتها در کمین گیر می‌کنیم. ولی آدم نمی‌دونه کی و کجا کمین وجود دارد. آخه بعضی وقتها ده روز پشت سر هم میری و خبری از کمین نیست. بعدش یهو در کمین گیر میکنی».

جدول ۳. گزاره‌ها، خرده مفاهیم و مفاهیم مقوله شرایط زمینهای گرایش به عرفان عامه

مفهوم	خرده مفهوم	گزاره	مقوله
ریسک‌پذیری	امکان گیر کردن در کمین	ما بعضی وقتها در کمین گیر می‌کنیم. ولی آدم نمیدونه کی و کجا کمین وجود دارد.	شرایط زمینهای
	از دست دادن بار	دو سه باری که اون آقا (استخاره کننده) گفته امشب خوب نیومد حتما در کمین گیر کردم و بارم را گرفته‌اند.	
	آسیب جسمی	من یک بار در مرز پام پیچ خورد و نزدیک ده روز نتونستم برم.	
	ریسک بالا	ولی خب یکی از بزرگترین بدی‌هایش (بدی های کار در مرز) ریسک بالا است.	
	مورد شلیک قرار گرفتن	از جمله خطرهایی که در مرز وجود دارد، شلیک‌هایی است که به ما می‌شود.	
	مورد شلیک قرار گرفتن	من کسی را می‌شناسم که دعا رو برای این نوشته که در تیررس مأموران قرار نگیرد	
	آسیب جسمی	جاهایی که ما می‌رویم ارتفاع دارد و هر لحظه ممکن است دچار سقوط شویم.	
حس رقابت	هم چشمی	یکی از صاحب بارها ورشکست شد در بین همه کولبرها پخش شده بود که یکی دیگه از صاحب بارها که رقیبش بوده برایش دعا کرده.	حس رقابت
	رقابت	اون دوستم فکر می‌کند اگر یک روز کار نکند از پسر عموش جا می‌مونه.	
عدم ثبات شغلی	فصلی بودن	بعضی از فصل‌ها که تقریباً کار خیلی کم میشه. کار در مرز فصلی هستش. یعنی اینکه بعضی وقتها تا دلت بخواهد در مرز کار وجود دارد.	

استراتژی عرفان عامه در مواجهه با مخاطرات کولبری

مفهوم	خرده مفهوم	گزاره	مقوله
	تعطیلی مرز	بعضی وقتها بنا به دلایلی کار در مرز تعطیل می شود و ما بیکار می شویم.	
	اصرار مادر	خب عرض کردم به اصرار مادرم بود که برای بار اول به این کار (گرایش به دین عامه و به طور مشخص دعا نویسی) روی آوردم.	
	تأثیر خانواده	من در یک خانواده مذهبی و مقید به دنیا آمده‌ام و تقریباً با همین چیزها بزرگ شده‌ام و رشد کردم.	
	جامعه‌پذیری	خب ببینید من از بچگی همیشه می‌شنیدم که هر اتفاقی که دور برم رخ می‌داد می‌گفتند مطمئناً کار دعاس.	
عدم اطمینان به اطرافیان	چشم خوردن	مجبور شدم به خاطر چشم نخوردن برمپیش دعانویس و اسم کسایی رو که بهشون شک داشتم بهش گفتم که برام دعا بنویسه.	
	بی‌اعتمادی	برای اینکه از کارم و اطرافیانم مطمئن نیستم.	
	دور کردن چشم حسود	من گفتم برای اینکه چشم حسود از من دور باشد دعا نوشتم.	

پژمان ۲۴ ساله با دو سال سابقه کولبری (کد ۱۰) در رابطه با امکان سقوط از ارتفاع می‌گوید:
 «هر چند شب یک بار یک نفر از ارتفاع سقوط می کند که کمترین آسیبش شکستن دست یا پای طرف است».

مسیری که محل فعالیت افراد شاغل در مرز است، خط مرزی ایران با کشور عراق است؛ محلی که در زمان جنگ ایران و عراق به طور گسترده مین‌گذاری شده است. بنابراین یکی از خطرهایی که ممکن است افراد شاغل در مرز را تهدید کند، انفجار مین است. افراد برای گریز از این خطر بعضاً از دین عامه کمک می‌طلبند. جبار ۳۳ ساله، فوق دیپلم با ده سال سابقه کولبری (کد ۳) می‌گوید:

«این منطقه‌ای که ما می‌رویم مرز عراق و ایران است. این منطقه در زمان جنگ ایران و عراق مین‌گذاری شده است و هنوز به طور کامل پاکسازی نشده و افرادی که به خورده از مسیر کج شوند ممکنه روی مین بروند و منفجر بشه».

از دیگر شرایط زمینه‌ای گرایش به عرفان عامه در بین افراد مورد مصاحبه، وجود رقابت در بین افراد و توسل به عرفان عامه برای پیروزی بر رقیبان است. شافع ۲۸ ساله با نه سال سابقه کولبری (کد ۲) می‌گوید:

«من قبلاً برای یک صاحب بار دیگه کار می‌کردم. بعد از سه چهار ماهی که براش کار می‌کردیم یهو گفتن ورشکست شده. بعداً قضیه فاش شد. در بین همه کولبرها پخش شده بود که یکی دیگه از صاحب بارها که رقیبش بوده براش دعا کرده».

گاهی اوقات تحت تأثیر اطرافیان قرار گرفتن، یکی از دلایلی است که طرف را به سمت دین عامه سوق می‌دهد؛ این همان چیزی است که به چشم و هم‌چشمی معروف است. شافع (کد ۲) در این زمینه می‌گوید:

«خب آدم وقتی می‌بینه اطرافیان از این کار استفاده کرده‌اند یه جورایی وسوسه می‌شود که او هم آن کار را انجام بدهد. به قول معروف وقتی با هزینه کم به یک نتیجه خوب میرسی چرا انجام ندی».

نمونه واضح این مسئله آرش ۳۱ ساله یا چهار سال سابقه کولبری (کد ۱۲) است که می‌گوید:

«خب منم آدمم و از اینکه از دوستانم و فامیلمون عقب می‌موندم ناراحت می‌شدم. باید یه کاری می‌کردم که منم می‌تونستم پا به پای اونا کار کنم. به پیشنهاد یکی از دوستانم رفتم برای استخاره و دیدم خیلی اثر داره و منم مشتاق شدم که انجامش بدم».

منظور از عدم ثبات شغلی که زمینه‌گرایش به عرفان عامه شده است، دائمی نبودن کار در مرز است؛ لذا افراد شاغل در مرز ناچار هستند که در مواقعی که کار جود دارد با تمام وجود تلاش کنند تا پس‌اندازی را برای مواقع بیکاری داشته باشند. گاهی اوقات بنا به دلایلی از جمله دلایل امنیتی، مرزها برای مدتی بسته می‌شوند.

نمونه مشخص این مطلب شورش ۳۸ ساله با ۷ سال سابقه کولبری (کد ۱۱) است که می‌گوید:

«کار در مرز فصلی است یعنی این‌که بعضی وقتها تا دلت بخواد در مرز کار وجود دارد اما بعضی وقتها بنا به دلایلی کار در مرز تعطیل می‌شود و ما بیکار می‌شویم».

شرایط محیطی نیز سبب‌گرایش به عرفان عامه شده است و شامل تمامی شرایطی را شامل می‌شود که محیط اطراف بر فرد تحمیل می‌کند. این شرایط ممکن است از اعتقاداتی که افراد در جامعه پیرامون می‌آموزد تا تأثیری که دوستان و اطرافیان بر فرد می‌گذارند را دربرگیرد. اما گرایش به عرفان عامه نه تنها به دلیل اعتقادات فردی، بلکه بعضاً به خاطر جوی که اطرافیان ایجاد کرده‌اند رخ می‌دهد. سیروس ۴۵ ساله با ۸ سال سابقه کولبری (کد ۱۵) در این زمینه می‌گوید:

«به اصرار مادرم بود که برای بار اول به دعانویسی روی آوردم ولی بعدش چون نتیجه‌ش تو زندگی خودم دیدم بیشتر بهش تمایل پیدا کردم».

یکی دیگر از مقوله‌هایی که به عنوان شرایط زمینه‌ای گرایش به عرفان عامه بر ساخته شده است، عدم اطمینان به اطرافیان است. این حس بی‌اعتمادی در مؤلفه‌هایی همچون ترس از چشم

خوردن، تلاش برای دور کردن چشم حسود و... خود را نشان می‌دهد. اقبال ۳۰ ساله با ۵ سال سابقه کولبری (کد ۶) می‌گوید:

«روستا اینجوریه تا به چیزی می‌خری همه در موردش صحبت می‌کنند. من بعد همین که ماشین را خریدم کمتر از ده روز طول نکشید که پام پیچ خورد و کلی متضرر شدم. الان دیگه مجبور شدم رفتم پیش دعا نویس و اسم کسایی رو که بهشون شک داشتم بهش گفتم که برام دعا بنویسه. الان به چند وقتیه خدا رو شکر راحتم و اتفاقی برام نیفتاده».

شرایط مداخله‌ای

منظور از شرایط مداخله‌ای آن دسته از شرایطی است که نقش تسهیل‌گر دارند؛ یعنی گرایش به عرفان عامه را برای افراد آسان‌تر می‌کنند. در تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ها مفاهیم دسترسی آسان به ابزار و وسایل دین عامه و قوت قلب به عنوان شرایط مداخله‌ای در گرایش به دین عامه استخراج شد (جدول ۴).

جدول ۴. گزاره‌ها، خرده مفاهیم و مفاهیم مقوله شرایط مداخله‌ای گرایش به عرفان عامه

مفهوم	خرده مفهوم	گزاره	مقوله
دسترسی آسان به عناصر عرفان عامه	دم دست بودن فرد استخاره کننده	منم می‌گفتم وقتی اعتقاد دارم بهش (منظور اعتقاد به عرفان عامه است) و دم دستم هست چرا استفاده نکنم.	شرایط مداخله‌ای
	پیدا کردن آسان دعانویس مطمئن	خب برای اینکه فردی را که باید پیشش می‌رفتم می‌شناختم و به راحتی می‌توانستم باهاش وارد ارتباط بشم و قضیه را با او در میان بگذارم.	
	نزدیکی مقبره شخصیت مقدس	مقبره یکی از شخصیت‌های مقدس و مورد احترام دینی در دو کیلومتری روستای محل زندگی ما هستش.	
ایجاد قوت قلب	گرفتن قوت قلب	ببینید من فکر می‌کنم استخاره گرفتن یا حتی فال‌گیری به جوری ایجاد قوت قلب در طرف هستش.	
	اطمینان قلب	من به وسیله پارچه‌ای که از سر مزار یکی از افراد مقدس آورده‌ام و با خودم حمل می‌کنم اطمینان عجیبی پیدا کردم.	

در بین افراد مورد مطالعه، مواردی وجود داشتند که دسترسی آسان به عناصر عرفان عامه را دلیل گرایش خود دانسته‌اند. مواردی همچون پیدا کردن آسان افرادی که بتوانند مجریان عرفان عامه باشند. برای نمونه انور ۳۶ ساله با ۱۲ سال سابقه کولبری (کد ۹) می‌گوید:

«منم می‌گفتم وقتی اعتقاد دارم بهش (منظور اعتقاد به عرفان عامه است) و دم دستم هست چرا استفاده نکنم. استفاده کردم و جوابم گرفتم».

همچنین سیروس ۴۵ ساله با ۸ سال سابقه کولبری (کد ۱۵) در رابطه با نزدیک بودن مقبره یکی از شخصیت‌های دینی به محل زندگی خود می‌گوید:

«مقبره یکی از شخصیت‌های مقدس و مورد احترام دینی در دو کیلومتری روستای محل زندگی ما هستش. افراد زیادی هستند که برای حاجاتشون به اونجا می‌روند و راز و نیاز می‌کنند».

مفهوم ایجاد قوت قلب، اشاره به دلایل آن دسته از افرادی دارد که هدف آنها از گرایش به عرفان عامه ایجاد قوت قلب و حس اطمینان برای خودشان می‌باشد. برای نمونه یدالله ۴۲ ساله (کد ۱) می‌گوید:

ببینید آدم وقتی میره پیش دعانویس یا برای استخاره یا هر چیزی خودش حالش به جوری میشه. میدونی منظورم چیه؟ منظورم اینه که وقتی میری و کسی برات استخاره می‌کنه و میگه خوب اومد انگار به نیرویی پشتت هست».

اتفاقات ناگواری همچون گیرافتادن در کمین، مورد شلیک قرار گرفتن، سقوط از ارتفاع و ... به طور مداوم افراد شاغل در مرز را تهدید می‌کند. لذا حصول از اطمینان از رفتن به مرز و دور بودن از اتفاقات ناگوار یکی از دلایلی است که افراد را به استفاده از دین عامه سوق می‌دهد.

استراتژی‌ها

منظور از استراتژی در اینجا، راهبردها و کنش‌هایی است که کولبران در مواجهه با پدیده هسته کولبری انتخاب می‌کنند. در تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ها، دعانویسی، استخاره کردن، توسل به افراد مقدس و رجوع به معبرین به عنوان استراتژی‌های کولبران ذکر شده است که از آن به عنوان به عنوان گرایش به عرفان عامه تعبیر شده است.

جدول ۵. گزاره‌ها، خرده مفاهیم و مفاهیم مقوله استراتژی گرایش به عرفان عامه

مفهوم	خرده مفهوم	گزاره	مقوله
عرفان عامه	دعانویسی	من با خودم فکر کردم که فقط احتیاط در مرز کافی نیست و باید به فکر یک راه دیگری بود. رفتم پیش یک دعا نویس و برام دعا نوشت که از تیررس مأموران دور باشم.	استراتژی گرایش به عرفان عامه
	استخاره کردن	به پیشنهاد یکی از دوستانم رفتم برای استخاره و دیدم خیلی اثر داره و منم مشتاق شدم که انجامش بدم.	
	فال‌گیری	وقتی فال خوب می‌آید یا اطمینان بیشتری به مرز میرم	
	رجوع به معبرین	بار سومی که دوباره به مرز روی آوردم به خاطر خوابی بود که دیدم و یک نفری که ازش مطمئنم آن را برایم تعبیر کرد. من بعد از تعبیر خوابم از او خواستم که برایم استخاره کند.	
	توسل به افراد مقدس	به خاطر اعتقادی که با افراد مقدس دارم و همچنین تأثیرهایی که هم برای خودم و هم برای دیگران دیده‌ام به آنها توسل می‌جویم.	
	پارچه متبرک	منم اونجا میرم و برای دور کردن بدببیری‌های مرز طلب حاجت می‌کنم و پارچه متبرک شده اونجا را هم دارم.	

در مواجهه با شرایط نامناسب اقتصادی و بروز پدیده کولبری، فعالان در این زمینه به دلیل شرایط نامناسب کار استراتژی‌های خاصی به کار می‌گیرند که در ادامه به آنها اشاره شده است:

انور ۳۶ ساله با ۱۲ سال سابقه کولبری (کد ۹) گفته است:

«من هم متأهل بودم و بچه داشتم و اگر اتفاقی برام می‌افتاد زن و بچه‌ام وارد مشقت میشدند من با خودم فکر کردم که فقط احتیاط در مرز کافی نیست و باید به فکر یک راه دیگری بود. رفتم پیش یک دعا نویس و برام دعا نوشت که از تیررس مأموران دور باشم».

نمونه واضح این مسئله آرش ۳۱ ساله با ۴ سال سابقه کولبری (کد ۱۲) است که می‌گوید:

«برای اینکه من هر بار که بارم گرفته می‌شد و پولی نصیبم نمی‌شد باید به کاری می‌کردم که منم میتونستم پایه پای اونا و حتی بهتر از اونا کار کنم و پول در بیارم. به پیشنهاد یکی از دوستانم رفتم برای استخاره و دیدم خیلی اثر داره و منم مشتاق شدم که انجامش بدم».

پژمان ۲۴ ساله با دو سال سابقه کولبری (کد ۱۰) در مورد نحوه مواجهه در شرایط ریسک‌پذیر کولبری می‌گوید:

«خیلی ساده و خلاصه بگویم به خاطر اعتقادی که با افراد مقدس دارم و همچنین تأثیرهایی که هم برای خودم و هم برای دیگران دیده‌ام به سراغ آنها می‌روم».

بعضی از افراد هنگامی که تصمیم به شروع یک شغل می‌گیرند، تمایل دارند که بدانند که آیا شغلی که می‌خواهند شروع کنند برایشان موفقیت به همراه دارد یا خیر. برای نمونه موسی ۴۵ ساله با ۱۰ سال سابقه کولبری (کد ۸) می‌گوید:

«بار سومی که دوباره به مرز روی آوردم به خاطر خوابی بود که دیدم و یک نفری که از من مطمئنم آن را برایم تعبیر کرد. من بعد از تعبیر خوابم از او خواستم که برایم استخاره کند. استخاره کرد و گفت برو و به خدا توکل کن و کار مرز را از سر بگیر که در اون برای تو خیر و برکت هست. حقیقتش همون طرف برایم دعا هم نوشت».

همچنین سیروس ۴۵ ساله با ۸ سال سابقه کولبری (کد ۱۵) در این زمینه گفته است: «خب میدونید چیه. مقبره یکی از شخصیت های مقدس و مورد احترام دینی در دو کیلومتری روستای محل زندگی ما هستش. افراد زیادی هستند که برای حاجاتشون به اونجا می‌روند منم اونجا میرم و برای دور کردن بدبختی های مرز طلب حاجت می‌کنم و پارچه متبرک شده اونجا را هم دارم».

پیامدهای گرایش به عرفان عامه

گرایش افراد مورد مطالعه به عرفان عامه، پیامدهای مانند ایجاد قوت قلب، فرسایش اعتماد اجتماعی، مقبولیت عرفان عامه و ایجاد آرامش برای جامعه و افراد به همراه داشته است (جدول ۶). فرسایش اعتماد اجتماعی می‌تواند ناشی از مورد تمسخر قرار گرفتن باشد یا ترس از این که دیگران موفقیت ما را به دعا، استخاره و... ربط بدهند. اما در حالی که هم می‌تواند ناشی از افزایش تعداد شیادانی باشد که به اسم عرفان عامه از مردم کلاهبرداری می‌کنند و به گسترش خرافات دامن می‌زنند. برای نمونه شافع ۲۸ ساله با ۹ سال سابقه کولبری (کد ۲) ترس خود از مورد تمسخر قرار گرفتن به وسیله دیگران را بازگو می‌کند. او در این زمینه می‌گوید:

«شاید اگر افراد دیگری بفهمند که ما این کار را می‌کنیم، ما را مسخره کنند و مثلاً بگویند در قرن بیست و یکم چرا هنوز دنبال این خرافات هستید».

علاوه بر آن ممکن است افراد شیادی از احساسات آنها سوء استفاده کرده و به اسم عرفان عامه سر آنها کلاه بگذارند و از این طریق به ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه دامن بزنند.

موسی ۴۵ ساله (کد ۸) بیان می‌دارد:

«خب اگر حواسشون نباشه پیش چه کسی می‌روند ممکن است که بروند پیش کسی که خودش رو دعا نویس جا بزنه و سر مردم کلاه بگذارد».

استراتژی عرفان عامه در مواجهه با مخاطرات کولبری

جدول شماره ۶. گزاره‌ها، خرده مفاهیم و مفاهیم مقوله پیامدهای گرایش به عرفان عامه

مفهوم	خرده مفهوم	گزاره	مقوله
فرسایش اعتماد اجتماعی	مورد تمسخر قرار گرفتن	شاید اگر افراد دیگری بفهمند که ما این کار را می‌کنیم، ما را مسخره کنند.	پیامدهای گرایش به عرفان عامه
	رابط دادن موفقیت افراد به دعا	و این (رو شدن توسل به عرفان عامه) باعث بشه که حتی اگر بعداً موفقیت‌هایی به دست بیاریم اطرافیان ما بگویند این موفقیت‌ها را با توسل به دعا و استخاره و اینا به دست آورده.	
	کلاهبرداری افراد شیاد	فکر می‌کنم اگر افراد خیلی به اینکارا روی بیاورند ممکنه افراد دروغگو و شیادی به اسم دین و دعا و اینا سر مردم کلاه بندازند.	
	ترویج خرافات	اگر این گرایش از یه حدی بگذرد به نظرم می‌تواند به ترویج خرافات دامن بزند.	
	بی‌اعتمادی	به نظرم باعث ایجاد حس بی‌اعتمادی میشه.	
مقبولیت عرفان عامه	گرم شدن بازار عرفان عامه	نتیجه‌اش این میشه که شاید تعداد دعانویس‌ها و کسانی که استخاره می‌کنند بیشتر بشه.	
	عادی شدن توسل به عرفان عامه	یکی از نتایجش این است که این آداب و مناسک (چیزهایی مثل دعانویسی و استخاره و...) دوباره به میان مردم بر می‌گردد.	
	عادی شدن عرفان عامه	به نظرم باعث می‌شود که این کار برای مردم عادی شود.	
	ریختن آب پاکی روی دست فرقه‌های معاند	به نظر من باعث می‌شود گول تبلیغات را نخورند. به نظرم یکی از پیامدهاش اینه که آب پاکی را روی دست بعضی از فرقه‌های مذهبی می‌ریزند.	
ایجاد آرامش	ورود مطمئن به مشاغل	به نظرم اگر پیش فرد مطمئنی بروند باعث میشه که آدمها الکی وارد هر کاری نشوند	
	قوی شدن ایمان دینی	به نظر من اگر اون کسی که بهش توسل می‌کنند واقعا فرد پرهیزکاری باشد باعث قوی شدن ایمان دینی افراد می‌شود.	
	بالا رفتن احساس اطمینان	نتیجش اینه که طرفی که برایش دعا نوشته شده یا برایش استخاره شده یه جورایی اطمینان حاصل کند.	
	ایجاد پشت‌گرمی	اینکه افراد به یک آرامش درونی می‌رسند و انگار همیشه پشتشون به یک چیزی گرم هستش.	

یکی از پیامدهای گرایش به عرفان عامه در بین مردم، مورد قبول واقع شدن عرفان عامه از سوی مردم است. این شرایط ممکن است به خاطر گرم شدن بیش از پیش بازار عرفان عامه در

میان مردم، بازیافتن اعتبار از دست رفته گذشته عرفان عامه، عادی انگاری توسل به عرفان عامه از سوی جامعه مورد مطالعه، باور پیدا کردن افرادی که قبلاً چنین باوری به عرفان عامه نداشته‌اند، مخالفت با فرقه‌های مخالف عرفان عامه و... به وجود بیاید. خبات ۲۵ ساله با ۳ سال سابقه کولبری (کد ۴) می‌گوید:

«نتیجه‌اش این میشه که شاید تعداد دعانویس‌ها و کسایی که استخاره می‌کنند بیشتر بشه».

استفاده از عرفان عامه در میان مردم چندان امری عادی به حساب نمی‌آید. اما بعضی از افراد مورد مطالعه بر این نظر بودند که گرایش مردم به عرفان عامه می‌تواند عادی‌انگاری آن را به همراه داشته باشد. گفته‌های شورش ۳۸ ساله با ۷ سال سابقه کولبری (کد ۱۱) بازگو کننده این واقعیت است. او می‌گوید:

«به نظرم باعث می‌شود که این کار برای مردم عادی شود. ببینید الان خیلی‌ها می‌ترسند از اینکه کسی بفهمه که دعا با خودشون دارند یا مثلاً استخاره کرده‌اند و حتی خود من هم ترس دارم که بعضی بفهمند که من پیش دعانویس رفته‌ام».

گرایش به عرفان عامه همچنین باعث قوی‌تر شدن ایمان مردم به عرفان عامه شده و ایستادگی آنها در برابر مخالفان عرفان عامه را به همراه دارد؛ به گونه‌ای که عرصه برای فرقه‌ها و گرایش‌های مذهبی جدید و مخالف عرفان عامه تنگ شود. آرش ۳۱ ساله با ۴ سال سابقه کولبری (کد ۱۲) در این زمینه می‌گوید:

«به نظر من باعث می‌شود که آدم‌ها ایمانشان بیشتر شود و گول تبلیغات را نخورند. بعضیا هستند که هی تبلیغات منفی می‌کنند که آقا دعانویسی و استخاره و توسل و اینا خرافات هستش و درست نیست. اگر آدم‌ها پیش این افراد (دعانویس و اینا منظومه) بروند با چشم خودشون می‌بینند که خرافات نیست».

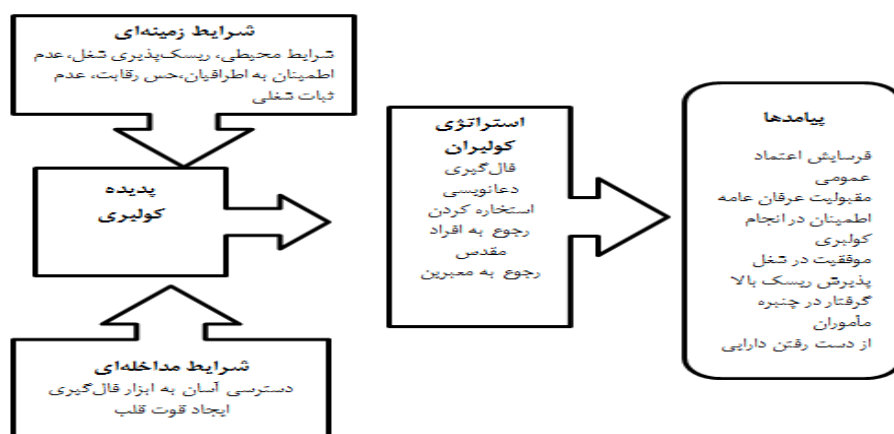
منظور از ایجاد آرامش، نوعی قوت قلب و احساس پشت‌گرمی است که افراد با توسل به عرفان عامه به آن دست می‌یابند. آکار ۲۲ ساله با یک سال سابقه کولبری (کد ۷) در مورد ورود مطمئن به کارها در اثر توسل به عرفان عامه می‌گوید:

«به نظرم اگر پیش فرد مطمئنی بروند باعث میشه که آدم‌ها الکی وارد هر کاری نشوند و دست به انجام هر کاری نزنند. و این باعث میشه که آدم‌ها به یک روش مطمئن کارهاشونو شروع کنند و تعداد افرادی که در کارشون شکست می‌خورند کمتر شود».

ایجاد پشت‌گرمی نیز یکی از مواردی است که افراد مورد مطالعه آن را بازگو کرده‌اند. برای نمونه وریا ۴۰ ساله با ۹ سال سابقه کولبری (کد ۱۶) می‌گوید:

«اینکه افراد به یک آرامش درونی می‌رسند و انگار همیشه پشتشون به یک چیزی گرم هستش».

شکل ۱، مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای نقش اقتصاد مرزی در گرایش به عرفان عامه در مناطق مرزی نوسود (از توابع استان کرمانشاه) را بر اساس تحلیل اطلاعات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد. بر اساس آنچه که در مدل قابل مشاهده است، رابطه اقتصاد مرزی و گرایش به عرفان عامه بر مبنای شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای، مقوله هسته یا پدیده محوری کولبری، استراتژی عرفان عامه و نهایتاً پیامدهای آن قابل تحلیل است.



شکل شماره ۱. مدل پارادایمی گرایش به عرفان عامه در اقتصاد مرز (کولبری)

خلاصه و نتیجه‌گیری

شرایط مرزی، جغرافیایی و اقتصادی منطقه نوسود، منجر به پدیده کولبری شده است. شرایط زمینه‌ای (شرایط محیطی، عدم اطمینان به اطرافیان) و شرایط مداخله‌ای (دسترسی آسان به عوامل دین عامه، ایجاد قوت قلب) در ارتباط با کولبری، شرایطی را ایجاد می‌کند که فرد در آن به عرفان عامه گرایش پیدا می‌کند. لذا با تکیه بر این تحلیل، پدیده کولبری به عنوان مقوله هسته و ارتباط دهنده سایر مقوله‌ها ساخته شده است. توسل به عرفان عامه به عنوان استراتژی است؛ استراتژی که از سوی کولبران و متناسب با شرایط اقتصادی‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرد که شامل دعانویسی، استخاره کردن، رجوع به معبرین و افراد مقدس بوده است.

یکی از شرایط زمینه‌ای گرایش به عرفان عامه، ریسک‌پذیری کار در مرز است. منظور از ریسک‌پذیری تمام اتفاقات ناگواری است که ممکن است کارکنان مرز را تهدید کند؛ اتفاقاتی

همچون سقوط از ارتفاع، مورد شلیک قرار گرفتن، گیر افتادن در کمین، انفجار مین در مسیر و... این ریسک زیاد کار در مرز، افراد شاغل در مرز را به بهره‌گیری از عرفان عامه به عنوان یک استراتژی خنثی کننده اتفاقات ناگوار مرز سوق می‌دهد. از دیگر مقوله‌های شرایط زمینه‌ای، حس رقابت است؛ یعنی احساسی که از سر هم چشمی، عقب نیفتادن از دیگران و رقابت با دیگران شکل می‌گیرد. در این حالت عرفان عامه به عنوان نوعی استراتژی یاری‌رسان، پیش‌روی افراد شاغل در مرز ظاهر می‌شود. بدین معنا که افراد شاغل در مرز دست به دامن عرفان عامه می‌شوند تا آنها را در میدان رقابت با دیگران یاری رسانده و سربلند از این میدان بیرون بیاورد. مقوله مهم دیگری تحت عنوان عدم ثبات شغلی که یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های اقتصاد مرزی است، نیز وجود دارد. فصلی بودن کار مرز، بسته شدن گاه و بی‌گاه مرز و... باعث می‌شود که کارکنان مرز در ایامی که مرز باز است تلاش مضاعف داشته باشند تا از اندوخته‌های خود برای روز مبدا استفاده کنند. اما گاهی یک سری اتفاقاتی همچون ریسک‌هایی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، دست کولبران را از فعالیت در مرز کوتاه می‌کند. چه چیزی می‌تواند به کولبران این اطمینان را بدهد که در ایام باز بودن مرز می‌توانند فعالیت داشته باشند؟ جواب این سؤال بر مبنای یافته‌های پژوهش روشن است؛ توسل به عرفان عامه به عنوان استراتژی روحیه‌بخش. بدین معنا که در این شرایط افراد از عرفان عامه کمک می‌گیرند تا در ایام باز بودن و اوج کار مرز دچار اتفاقات نشوند و از کار عقب نیفتند. بنابراین شرایط خاصی که اقتصاد مرز رقم می‌زند یعنی شرایطی همچون ریسک‌پذیری بالا، رقابت و عدم ثبات شغلی، به عنوان شرایط زمینه‌ای گرایش کارکنان مرز به عرفان عامه ایفای نقش می‌کنند.

علاوه بر شرایط ذکر شده که به طور مستقیم در گرایش به استراتژی عرفان عامه دخیل‌اند، شرایطی نیز وجود دارند که نه به طور مستقیم بلکه به صورت فراهم کننده زمینه گرایش به عرفان عامه وارد عمل می‌شوند. اعتماد به افراد مقدس، تحت تأثیر مادر و سایر اقوام و بستگان قرار گرفتن، تأثیر پذیرفتن از جو اطراف و... شرایطی را رقم می‌زند که افراد را به سوی عرفان عامه سوق دهد. این همان چیزی است که می‌توان آن را شرایط محیطی حاکم در مناطق مرزی نامید. در این حالت، عرفان عامه به عنوان استراتژی همسویی با اجتماع مورد استفاده کولبران قرار می‌گیرد. به این معنا که افراد شاغل در مرز به خاطر شرایط محیطی حاکم، به عرفان عامه همچون یک استراتژی همسو کننده با اجتماع و اطرافیان، تمایل و گرایش پیدا می‌کنند. عدم اطمینان به اطرافیان نیز مقوله‌ای است که از مفاهیمی همچون چشم‌نخوردن در مرز، عدم اطمینان به افراد پیرامون، دور کردن چشم حسود و... بر ساخته شده است. افراد شاغل در مرز از چه راهی می‌توانند

خود را از حسادت و کارشکنی‌های اطرافیان ایمن کنند؟ از نظر آنها در چنین شرایطی کمک جستن از عرفان عامه، شاید کارترین روش ممکن باشد؛ عرفان عامه به عنوان استراتژی اطمینان‌بخش. افراد شاغل در اقتصاد مرزی بر این عقیده‌اند که عرفان عامه می‌تواند آنها را از چشم خوردن و سایر کارشکنی‌های اطرافیان ایمن کند و به همین خاطر از عرفان عامه به عنوان استراتژی اطمینان‌بخش بهره می‌گیرند.

برخی از شرایط، نقش تسهیل‌گر دارند؛ یعنی گرایش به عرفان عامه را برای افراد آسان‌تر می‌کنند. این شرایط، شرایط مداخله‌ای هستند. در بین افراد مودر مطالعه، مواردی وجود داشتند که دسترسی آسان به عناصر عرفان عامه (دین عامه) را دلیل گرایش خود دانسته‌اند. مواردی همچون پیدا کردن آسان افرادی که بتوانند مجریان عرفان عامه باشند از جمله مؤلفه‌های کلیدی مقوله فوق است. در این حالت عرفان عامه به عنوان استراتژی بی‌دردسر دستیابی به اهداف مورد استفاده جامعه هدف قرار می‌گیرد. مقوله ایجاد قوت قلب یکی دیگر از مقوله‌های مربوط به شرایط مداخله‌ای است که از مفاهیمی همچون دادن برکت به پول، اطمینان از موفقیت در کار مرز، حصول اطمینان از رفتن به مرز و... بر ساخته شده است که مشخصاً به اقتصاد مرزی ربط دارند. این مقوله اشاره به دلایل آن دسته از افرادی دارد که هدف آنها از گرایش به عرفان عامه ایجاد قوت قلب و حس اطمینان برای خودشان است. در همچنین شرایطی عرفان عامه به عنوان استراتژی قوت قلب مورد استفاده کولبران قرار می‌گیرد.

اما گرایش به عرفان عامه در مناطق مرزی می‌تواند یک سری پیامدهایی را به دنبال داشته باشد. فرسایش اعتماد اجتماعی، مقبولیت عرفان عامه و ایجاد آرامش، مقوله‌هایی هستند که پیامدهای گرایش به عرفان عامه را بازگو می‌کنند. این پیامدها بعضاً در تناقض با یکدیگر ظاهر شده و تأمل بیشتری می‌طلبد. فرسایش اعتماد اجتماعی از جمله پیامدهای منفی گرایش به عرفان عامه است؛ به این معنا که گرایش مردم به عرفان عامه می‌تواند اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر را دچار فرسایش کرده و بی‌اعتمادی را جایگزین آن کند. این در حالی است که مقبولیت عرفان عامه، مقوله‌ای است که پیامدهای مثبت گرایش به عرفان عامه را بازنمایی می‌کند؛ از این زاویه، گرایش به عرفان عامه می‌تواند باعث مقبولت بیش از پیش آن در جامعه شود. مقوله ایجاد آرامش، به معنای پیدا کردن اطمینان خاطر با عرفان عامه است. این مقوله از دو نظر قابل توضیح است. شاید بتوان ایجاد آرامش را جز پیامدهای مثبت دانست؛ به این معنا که طرف توانسته با گرایش به عرفان عامه اطمینان خاطری برای خود ایجاد کند. اما یک توضیح ضمنی و پنهان را

هم می‌توان در مورد مقوله ایجاد آرامش باز شناسایی کرد. آیا نمی‌توان این آرامشی که فرد با توسل به عرفان عامه برای خود ایجاد کرده است را یک آرامش کاذب دانست؟ اگر جواب به این سؤال مثبت باشد پس می‌توان گفت که گرایش به عرفان عامه خرافات را به میان مردم بازگردانده است.

در راستای کاربردی‌ترین پژوهش حاضر، پیشنهاد شده است که فعالیت در مرز سامان‌دهی شود تا زمینه فعالیت بدون ریسک برای ساکنان مرز فراهم شود. سرمایه فرهنگی ساکنان در مرز به ویژه در زمینه اقدامات فال‌گیران، افزایش یابد تا افراد درگیر چنین استراتژی و پذیرش ریسک ناشی از آن نشوند. پژوهش کمی مبتنی بر مدل پارادایمی این پژوهش انجام شود تا پدیده عرفان عامه دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- پل ویلم؛ ژان (۱۳۹۵). دین و عقلانی شدن. ترجمه علیرضا خدای. تهران: نشر نی.
- ریچاردز، بری (۱۳۹۴). *روانکاوی فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده. تهران: مروارید.
- سراج زاده، سید حسین؛ جواهری، فاطمه؛ افلاکی عربانی، سارا (۱۳۹۹). "زمینه‌ها و پیامدهای بهره‌گیری از دعانویسی و فال‌گیری (مطالعه نمونه‌ای از زنان تحصیل کرده شهر رشت)", *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*, سال شانزدهم، شماره ۶۱: ۹۷-۱۲۰.
- جواهری، فاطمه (۱۳۸۱). "مطالعه جامعه‌شناختی پدیده دعانویسی در ایران"، *نشریه پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۳۵: ۸۵-۶۳.
- خالق‌پناه، کمال؛ میرزاوندیان، فاطمه؛ جلوند، اختر (۱۳۹۵). "دین عامه، ناکامی‌های عینی و استراتژی زنانه امیدواری: مطالعه تجربه دعانویسی در شهر سنندج"، *فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال اول، شماره ۴: ۱-۳۵.
- قادرزاده، امید و غلامی، فاطمه (۱۳۹۳). "تحلیل تجربه زنان سنندجی از فال‌گیری (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای فال‌گیری)", *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و ششم، شماره پیاپی (۵۸)، شماره ۲: ۱۰۷-۱۲۴.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر ثالث.
- Kasanova, R.; Andayani, A.; & Wardani, N. (2022) Magic Spell of Superiority in Madura: A Study of Structure, Meaning and Function, Proceedings of the 2nd International Conference of Humanities and Social Science, ICHSS 2022, 17 December 2022, Surakarta, Central Java, Indonesia
- Lee, J. (2009). "Shamanism and Its Emancipatory Power for Korean Women", *Journal of Women and Social Work*, 24 (2): 186 -198.
- Varul, M. Z. (2015). "Consumerism as Folk Religion: Transcendence, Probation and Dissatisfaction with Capitalism". *Studies in Christian Ethics*. Vol. 28 (4): 17-36.
- Zainal, A. (2013). "A Case Study on Pahang _Malaysia: A Scrutinize of Sociological Impacts of Superstition in the Life Manner of Malaysian People", *Journal UMP Social Sciences and Technology Management*, 1 (1): 42 -50.